

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: سلیمان
۰۱ اگست ۲۰۱۵

ترهات بقالان «چپ» با ماسک فریبنده «مائویزم»

۹

انجوایزم «سازمان انقلابی»، حقیقت یا مانیلوویسم «مائویستی»؟ (۴)

اکنون که دانستیم که زنده یاد داد نورانی مالک «کلید گروپ» نه بلکه یک کارگر زحمتکش بود که در این بنگاه کار می کرد و در همین حال دانستیم که «انجوایزم رسانه ئی» «سازمان انقلابی» هم مانیلوویسم «مائویستی» است، خوبست به چند مورد دیگر که از طرف این پشه های مرداب هالند و غیر هالند در مورد زنده یاد «نورانی» مطرح شده است، نیز بپردازم.

کثافتی به نام «پولاد» که زیر بیرق «کمیتة امام خمینی» عرق ریخته است و لایب اخلاق خمینی جلا را در ضمیرش حمل می کند؛ در بخش های چهارم، هفتم، یازدهم و دوازدهم و پانزدهم چتلنامه اش دروغ هایی را به زنده یاد داد نورانی وصله زده است که فاحشه گری این مردک را به طور آشکار نشان می دهد. هیچ نوشته ای، پاسخ مناسب به این فاحشه سیاسی بوده نمی تواند، مگر نوشته خوب و عالی «نسیم» تحت عنوان «پولاد» و «پولادگر»، دروغگویان بی آزر را تف باران کنید. این نوشته که قبلاً در پورتال «افغانستان آزاد – آزاد افغانستان» نشر شده است و این جرثومه ها در قبال آن به سکوت ننگین تن داده اند و تا اکنون نتوانسته اند آن را رد کنند، پاسخ مناسب، لحن مناسب و کلمات مناسب برای رد چرندیات این کثافات هاست. به اجازه «نسیم» عزیز، در اینجا به جای «پولادگر»، از نام «شورشگر» (که دو نام یک فراری است) برای همسانی نوشته ام استفاده می کنم، امیدوارم این تغییر را بر من ببخشند:

«توده های افغانستان از کسانی که دروغ می گویند سخت متنفر هستند و دروغگو را با دیده تحقیر نگریده و اگر نامی از دروغگو گرفته شود، با تف کردن نفرت شان را از او با این عبارت بیان می کنند: تف لعنت بر دروغگو! دو تا انسانک متعفن مدتهاست که در کنار چرندگویی، به دروغگویان مشهور انترنیتی تبدیل شده اند. یکی از اینها «پولاد» است و دیگری «شورشگر». در این سطور نیت بحث سیاسی و ایدئولوژیک با اینها ندارم، چون به نظر من سزاوار چنین بحثی نیستند. تنها به دروغگویی آنها در مورد زنده یاد داد نورانی می پردازم که خود محکی برای عیار صداقت بحث های این دو مردک ابلیس است.

وقتی سیاست با دروغ عجین شود، افتضاح به بار می آورد و وقتی این افتضاح زیر لفافه ایزم های ظاهراً سرخ بافته شود، انسان را به فاحشه سیاسی تبدیل می کند که حاضر است برای اثبات «حقانیت» خود هر دروغی عرضه کند. عرضه دروغ آنهم به شکل روسپی وار، کار کسانی است که در بازار مکاره نام و نشانی دارند و «پولاد» و «شورشگر» نام های آشنای این بازار هستند، اگر باور ندارید، بروید از انجیر حزب دار بپرسید!!

«پولاد» که حال پیشکسوت دروغ، چرند و توطئه شده است و به حیث رهبر «جنبش «مائوئیستی» افغانستان» (!!) عمل می کند و دیگران، به خصوص «شورشگر» و داکترک «عمدتاً مائوئیست» به او اقتداء می کنند، در مورد زنده یاد داد نورانی چنین لاطائلات و دروغ می بافت:

«وقتی رهبر آنها «مرحوم» (داد نورانی) به خواهران «راوا» ئی اش می گوید: «راوا زن دوم خلیل زاد»، «خلیل زاد و شب های طولانی با راوا»؛ دیگر از این شاگردان بی فرهنگ و عقب مانده، فحاش و هرزه ای [هرزه] آن "مرحومی" ... چه توقعی می رود.» (پاسخ به حملات رویونیست های دون صفت سازمان انقلابی - بخش یازدهم)

«پولاد» ای روسپی دروغگو ننگت باد! ای توطئه گر بی آرم خجالتت باد! چگونه خجالت نکشیدی وقتی اتهامات «کامران میرهزار» را در سایت «کابل پریس» به پای زنده یاد «داد نورانی» نوشتی؟ مگر با این دروغگوئی، باز هم انتظار داری ترا یک انسان شریف و صادق بخوانیم و به گپ هایت باور کنیم؟ کافیسیت که تو فراری هزار چهره برای همین دروغت تف باران شوی.

چقدر «پولاد» و «شورشگر» باید تهی از شرافت و عزت و وقار باشند که به خاطر تخلیه عقده های چرکین خود به دیگران دروغ وصله کنند. اینها سخنان «کامران میرهزار» را که در سایت «کابل پریس» ردیالنه نوشته بود که: «چرا وقتی سندی ندارید به دروغگوئی متوسل می شوید و باز هم منت می دهید که ما «بحث بابچه بی ریش محقق؟»، «میرهزار خوشگله محقق جنایتکار»، «میرهزار جاسوس مسیحی شده»، «کامران جان تکلیف طالب بچه ها را دارد»، «میرهزار عامل نقابدار واواک و انتلجنس هند» و... را نشر نکردیم. بسیار خوب من هم مطالب بسیاری را نشر نکرده ام که عناوینی مانند این را داشت: «روسپیگری راوا»، «راوا زن دوم خلیل زاد»، «خلیل زاد و شب های طولانی با راوا»، «دختران زیبای راوا»، «دختران پشتون توسط راوا حراج می شوند» و... (یک آدمک سیاسی؛ چیزی بیش اما نه!؛ کامران میرهزار، شنبه ۲۹ مارچ ۲۰۰۸، <http://kabulpress.org/my/spip.php?article1324>) به زنده یاد داد نورانی وصله می کنند که بزدلی این کثافت ها را به خوبی نشان می دهد.

این دروغگو که دیگر به یک فاحشه سیاسی تبدیل شده است، در بخش های مختلف چرندنامه اش علیه یکی از سازمان ها می نویسد:

«وقتی «داد نورانی» رهبر اینها شنیع ترین فحاشی ها را به خواهران «راوا» ئی شان نثار می نماید می گوید: «مشمتمالی و چاپیگری مهمانان غربی توسط اعضای «راوا» برای دست یافتن به میلیون یورو، قصرها و موترها انجام شده است»؛ لهذا از این شاگردانش که نقش پای استاد شان را تعقیب می کنند، هیچ گلیله [گله] ای نیست.» (بخش دهم)

و «وقتی رهبر فقید شما «داندورانی» به «راوا» می گوید که: «حال یکی دو قلم مرد ریشو، چند زن و دختری را به این نام (راوا) تا [ته] و بالا کرده...»؛ شما نیز باید چنین دشنامها و کلمات رکیک دور از شأن انسانی را علیه ما بکار [به کار] برید..... یکی از استادان شما «داد نورانی» به خواهران اش [خواهرانش] در «راوا» به سطح عناصر او باش... فحاشی می کند، تهمت می زند و زشت ترین نسبت ها و شنیع ترین دشنامها رانثار آنها می کند. شما ورققای تان بنا بر همین فرهنگ و ادبیات بر ما فحاشی می کنید و بی شرمانه و با چشمپارگی آنرا انکار می نمائید.» (بخش نهم)

و «داندورانی رهبر فقید «سازمان انقلابی» قبل از «انشعاب» از «سازمان رهائی» در شماره (۵) «پیام زن» سخن از «راوا» ی عزیز داشته می گوید که: «ستاره آتشین» «پیام زن» خنجرگون را تابانتر می خواهیم»، ولی بعد از آن که داد نورانی و شماری دیگر از «سازمان رهائی» باصطلاح [به اصطلاح] انشعاب نمودند؛ داد نورانی (همان ستاره آتشین چندوقت قبلیش راسراب میخواند) و در مصاحبه ای با کامران میرهزار در سایت «کابل پرس» (در ماه می ۲۰۰۸) صحبت: از "مشمتمالی و چاپیگریهای مهمانان خارجی توسط «راوا» دارد که از این طریق به میلیونها یورو دست یافته است؛ داد نورانی ادعا می کند که: «عصمت اعضای «راوا» به اثر «...گاو» «راوا» بر باد رفته است و همچنین

در مصاحبه اش عبارت «راوای زیرران خلیل زاد» را بکار [به کار] برده است. وقتی گروهی از افرادی سه- چهاردهه تحت چنین فرهنگ و اخلاق و ادبیاتی پرورش شده باشند؛ چگونه می توان غیر از فحاشی های این چنینی علیه مخالفین سیاسی شان از آنها انتظار داشت؟ در حالیکه اعضای فامیل خود داد نورانی و پیروانش طی چند دهه عضویت «راوا» را داشته اند. ببینید که برادران و فرزندان «باغیرت» «راوا» چگونه می خواهند از طریق فحاشیهای لومپانه گویا غرور مائوئیست هارا «بشکنانند» (بخش هفتم)

و فاحشه سیاسی دیگر به نام «شورشگر» در خندق «مائوئیستی» اش می نویسد: «به نوشته های که «دادنورانی» (زیرنام رستم شجاع) در کابل پریس نشر کرده مراجعه کنید و ببینید که چطور کسانی را که دیروز «خواهر»، «مادر» و «رفیق» خطاب میکرد، بعد از نفاق بر سر پول های انجوها «چاپی گرلنگ» زلمی خلیل زاد و امریکائی ها میخواند. (سازمان جوانان مترقی جنبش دموکراتیک نوین افغانستان و نقش رفیق اکرم یاری در مبارزات خلق ما برای رهائی، بخش چهارم)

این ها شیدان واقعی هستند. دجالانی هستند که شرافت و عزت نمی شناسند و همین است که دروغ پشت دروغ تولید می کنند. به چند تا دروغ این دروغگویان روسپی در پاراگراف های فوق اشاره می کنم:

نخستین دروغ این فاحشه های سیاسی اینست که به غلط نوشته های دیگران را به پای زنده یاد داد نورانی وصله می کنند. زنده یاد داد نورانی فقط یک مقاله کوتاه در سایت «کابل پریس» نشر کرده است، آنهم پس از تأکید بیش از حد خوانندگان و دوستانش. چنانچه این قلم همان روزگار در یکی از مطالب در سایت «کابل پریس» نوشت: «من در یکی از دیدارهایم از داد نورانی خواستم تا به این اتهامات پاسخ مناسب ارائه نماید. آقای نورانی به شدت مخالفت کرد و اظهار داشت که او بر وجدان مبارزاتی اش باور دارد و در ضمن این که به این نوع اتهامات بی پایه پیشیزی ارزش قابل نیست، نمی خواهد جبهه روشنفکران ضد بنیادگرایان را با این نوع انتقادات تضعیف نماید، با آن که این استدلال را نپذیرفتم ولی حقش دانستم.» ولی آن زنده یاد ناگزیر شد جواب کوتاه در سایت کابل پریس نشر نماید که در آن نوشته هیچ نشانی از چیزهایی که این دو جاسوس و دروغگو به او وصله می کنند، دیده نمی شود. در آغاز نوشته زنده یاد نورانی می خوانیم:

«از مدتی به این سو سایت کابل پرس میر هزار به میدانی از اتهام علیه من و دفاع از من مبدل شده است. آنانی که علیه من نوشته اند چند فرد معدودی بیش نیستند که به نامهای مختلف می نویسند و گاه آنها را چنان عصبیت فرا می گیرد که سرا پا دیوانه شده، چیزهای باد می کنند که بعد با تلاش بسیاری نمی توانند آنها را ترمیم کنند. درین سایت تا جایی که فرصت خواندن آن را یافته ام، بعضی ها چیزهایی نوشته که خواسته اند به من وصله کنند. اما من با تمام آنها موافق نیستم، مخصوصاً آوردن نام عده ای و غلو در مورد اعدام ها و غیره.» و بعد می نویسد: «من درینجا به چند اتهام پاسخ طلب جواب های مختصری (برای یکبار) خواهم داد و اصل توضیح را بنا به دلایل خاصی به جزوه ای می گذارم.» و بعد طبق وعده در اسد ۱۳۸۷ در جزوه ای ۱۷ صفحه ای نظریاتش را در برابر اتهامات وارده نوشت و به طور وسیع در داخل کشور نشر کرد که در مقدمه آن می خوانیم:

«از مدتی به اینسو سایت کابل پریس به میدانی از جدل به له و علیه من مبدل شده است. با این که عده ای به دفاع از من جوابهای توضیحی و محکمی ارائه داشته اند، اما نسبت مصروفیت های به شدت دست و پاگیرم درین مدت، حتی فرصت خواندن این جدلها را نداشتم، چه رسد به این که جوابی ارائه دارم. بالاخره فرصتی مساعد گشت که برای یکبار بر آنجا هایی که ضرورت به بحث دارد، مکتی داشته باشم و داوری را به خوانندگان عزیز بگذارم. قابل یادآوریست این نوشته که باید در کابل پریس گذاشته می شد، بنابر ملاحظاتی در این سایت گذاشته نشد تا دشمن بنیادگرا از آن سود نبرد.»

نتیجه اینست که این دو روسپی («پولاد» و «شورشگر») دروغ می گویند و چیزهای ناحقی را به پای زنده یاد داد نورانی وصله می کنند. معلوم است که این دو حقیر، مسلکی جز دروغ گفتن و توطئه چیدن ندارند، اگر باور ندارید بروید از انجینیر حزب دار و انجودار بپرسید؟

دومین دروغ «پولاد» اینست که گویا زنده یاد داد نورانی مصاحبه ای با کامران میر هزار داشته است و بعد هم چنین و چنان گفته است. اگر دروغ نمی گوید همان مصاحبه را نشان بدهد، زیرا تا جایی که می دانم زنده یاد داد نورانی هیچ مصاحبه ای در باره «راوا» با کامران میر هزار نداشته است، بگذریم از این که چنین و چنان گفته باشد. این دروغ مثل سایر دروغ های «پولاد» باد متعفی است که از سوراخ روده هایش بیرون زده است. سومین دروغ فاحشه های سیاسی اینست که نوشته های رستم شجاع را (که نمی توان با همه قسمت های آن موافق بود و انتقادات معینی بر آن نداشت) مثل چندتا دروغگوی دیگر به نام زنده یاد داد نورانی درج می کنند. در حالی که خود رستم شجاع می نویسد:

«آقای میر هزار، از مدتی به اینسو با راوا در جدال هستید. چون هم شما و هم به اصطلاح راوا معتقد به «جامعه دموکراتیک»، «حقوق بشر»، «دموکراسی» و «عدالت اجتماعی» هستید، نفهمیدم که کشاکش شما روی چیست و چون دیدم که اتهام زنیهای شما تا جایی رسید که خودت راوا را «...زیر ران خلیزاد» و راوا شما را «... محقق» خطاب کرد، نخواستم مداخله کنم. گاهی فکر می کردم که شاید این جنجالها بر سر لحاف ملا نصرالدینی باشد که «جامعه جهانی» آن را می خواهد و مخصوصاً که راوا در چنین تمثیلهائی شهره غرب است و در دادن و دل به دست آوردن واقعاً معجزه می کند، به این خاطر چیزی ننوشتم. اما اخیراً هر دو طرف تان پای آقای نورانی را نیز به این معرکه کشانده، شما او را «معلم سیاسی راوا، کسی که از هتل به هوتلی می رود و با خابنین می نشیند» نامیدید و به اصطلاح راوا او را در لفافه «روشنفکر مفلوکی که انتقاد خنثی می کند، مشاطه گر بنیادگرایان وابسته به ایران شده، دندانش به استخوان شهرت رسیده و به پیروی از کرزی چین به شانه انداخته» نامیده است. من که یکی از دوستداران نورانی هستم و از او شناخت کامل دارم، خواستم در مورد این اتهامات چیزی بنویسم. با این که باور دارم که اگر نورانی فرصتی بیابد، به آسانی پاسخ این جلف گوئی ها را خواهد داد و راوائی را که حتی موش هم نیست، تکه پاره خواهد کرد. اگر این افتراء زنی ها و اتهامات پست ادامه بیابد، باور دارم که در کنار دهها گرفتاری مهمش، به این هم خواهد پرداخت.»

و همین آقای رستم شجاع در مقاله دیگرش می نویسد: «به ترکستان زده اید. نه من نورانی، نه پاغر و نه دردی هستم. نه من شعری در پیام تان دارم و نه مدیر مسؤول روزگاران بوده ام. نه هوادار راوا بوده ام و هیچ گاه هم تابناکتر بودن «ستاره آتشین» «پیام زن» را آرزو نکرده ام! من صاف و ساده یک هوادار مبارزه آقای نورانی هستم. نه نورانی مسؤول نوشته من است و نه فرد دیگری. ولی حال که شما بار دیگر پاچه نورانی را محکم گرفته اید، نورانی داند و برخورد با شما. این که به گمان خود در مورد نورانی افساءگری کرده اید و باز هم این که از این افساءگری ها چه منظوری دارید به شما و نورانی بر می گردد.» (در جواب به جاسوسنامه ای از عدنان/ راوا، کابل پریس).

لعنت بر دروغگویان «مانویست»!!

چهارمین دروغ بوف های کور اینست که حتی در باره همان نوشته آقای شجاع که اینان به دروغ به نام زنده یاد نورانی درج می کنند {چنانچه ملکیت شهپر و کروخیل را به نام او درج کرده اند - سلیمان} هم دروغ می گویند که گویا رستم شجاع در مورد «راوا» نوشته است: «مشمتمالی و چاپیگری های مهمان خارجی توسط «راوا» که از این طریق به میلیونها یورو دست یافته است»، «عصمت اعضای «راوا» به اثر «... گاوی» راوا بریاد رفته است» و ... این کثافت

ها اگر یک بار دیگر نوشته آقای شجاع را مرور کنند خواهند دید که در آن، هیچ جایی چنین عباراتی در باره «راوا» به کار نرفته است بلکه رستم شجاع روشنفکران اخته و چند چهره را مورد حمله قرار داده و نوشته است:

«روشنفکران چندچهره ای که در ظاهر بسیار تند نویسی می کنند و در پشت پرده با مهارت مغزله می نمایند، به مشتمالی و «چاپیگری» مهمانان غربی پرداخته، بعضی از آنان به «استاد مشتمالی» شهرت یافته و به این ترتیب به فند میلیون یورویی، قصرهای سه طبقه و موترهای هشت هزار یورویی دست می یابند، جهت کتمان اینهمه دنانت عموماً انواع اتهام را در حد شخصیت های ضعیف خود به دیگران می بندند، ولی برای آنانی که نورانی و طرف را از نزدیک می شناسند، این جلف گوئی ها به اندازه بند بوث شان هم ارزش ندارد.» و «خوب است که نورانی هزار بار چین ببوشد و آنانی که مشت شان نزد نورانی باز است، هزار بار از بی چیزی برای او لجن پراکنی کنند، اما یک بار هم ننگ «زنده گاوی» و مشتمالی و چاپی کردن جواسیس را قبول نکنند، زیرا مردم ما زمانی چین می انداختند که کرسی آن را نمی شناخت و به این خاطر این اتهام به اندازه پشغلی اهمیت ندارد.»

ای دروغگویان بی حیا! گفته می توانید که در کجای پاراگراف فوق نامی از «راوا» گرفته شده است؟ چرا نمی گوئید که شما انسان های ذلیل به طور عمدی عباراتی را که برای روشنفکران اخته به کار رفته است به این شکل تغییر داده اید: «مشتمالی و چاپیگری های مهمان خارجی توسط «راوا» که از این طریق به میلیونها یورو دست یافته است»، «عصمت اعضای «راوا» به اثر «... گاوی» راوا بر باد رفته است»؛ ای دروغگویان شرم تان باد!

یادداشت: وقتی برای اولین بار نوشته رستم شجاع در سایت کابل پریس نشر شد {ای کاش نشر نمی شد - سلیمان} و بعد کسانی به دفاع از راوا و علیه و له این و آن قلم زدند در این میان کسانی در بخش کامنت گذاری سایت کابل پریس به افشاءگری و اتهاماتی دست زدند که همان روزگار سؤالاتی را نزد اینجانب و دوستان دیگر خلق کرد که این افشاءگران و اتهام زنان چه کسانی بوده می توانند، حال که جواسیس هالندی را شناخته ام، با اطمینان خاطر گفته می توانم که کار این هرزه های کثیف جمع انجنیر حزب دار و اینجودار بوده است. یکی از این افراد، مهدی نیک آیین بود که با اطمینان گفته می توانم همین «شورشگر» روئیده در خندق «شورش» است.»

اما در مورد نشریه «روزگاران»؛ نشریه روزگاران ضمن این که در آن روزگار، قسمتی از روزگاران تیره مردم افغانستان را بیان می کرد اما نمی توان بر خط کلی آن انتقاد نداشت. خط کلی این نشریه همان خط عمده بودن بنیادگرائی نسبت به امپریالیزم بود که یک خط انحرافی بود. نشریه «روزگاران» به تبلیغ سیاست های «حزب همبستگی افغانستان» می پرداخت که از خبط های تاریخی به شمار می رود و همین است که خود زنده یاد داد نورانی در مورد چنین می نویسد:

«بعد از استعفایم از حزب، من راه خود را انتخاب کردم و با درس هائی که از خبط های تاریخی دوران عضویتم در حزب داشتم، و هم شرایط خاص را تحلیل نمودم نه تنها به اشتباه آن دوران پی بردم، که خواستم با ارزیابی درست و دقیق نه تنها در «نشریه پیشرو» که در مصاحبه هایم به جبران آن اشتباهات پردازم.» (نشریه پیشرو شماره ۲۲ قوس ۱۳۸۶).

اما جالب اینست که دغلاکاران «مائویست»، این همه سالها لمیده بودند و علیه «روزگاران» و زنده یاد «نورانی» موضع نمی گرفتند. این سفله های لیبرالیست از آنجائی که نمی توانند علیه زنده یاد داد نورانی پس از استعفی از کار «روزگاران» و «حزب همبستگی افغانستان» و شروع کار جدید و قرار گرفتن در خط درست مبارزه علیه امپریالیزم و اتخاذ خط جدید در «نشریه پیشرو» اعتراضی کنند، ناگزیر هستند به همان گذشته بچسبند. در حالی که وقتی زنده یاد نورانی، گذشته اش را در «حزب همبستگی» خبط تاریخی می خواند و به اشتباه خود پی می برد و اعلام می دارد که

به جبران اشتباهاتش می پردازد و عملاً در چنین راهی گام بر می دارد، باید به حیث یک منتقد صدیق این حرکت را با ارزش دید، چیزی که بوف های کور ما دیده نمی توانند.
ادامه دارد.

یادداشت:

مطالب به رنگ سرخ در داخل کروشه [] ، اغلاط املائی نقل قولهای دیگران است که بر مبنای اصل امانت داری ویراستاری نشده است.

ویراستار پورتال AA-AA